ISSN: 2717-3216 *Volume 12, Issue 1 (2025), 63-79* https://www.ijfpjournal.ir/

Iranian Journal of Family Psychology

Research Paper

https://doi.org/10.22034/ijfp.2025.2041217.1355

The Role of Virtual Space Addiction and Triangulation in Predicting Emotional Divorce: The Mediating Role of Marital Expectations

Fatemeh Kiamarzi[1], Niloofar Mikaeili[2*], Shabnam Derakhshan[3], Mohamad Narimani[4]

1. Master of Clinical Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
2. Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
3. Master of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
4. Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Article Info.

Received: 12 March 2025

Revised: 5 May 2025

Accepted: 8 June 2025

Keywords:

Internet addiction,

triangulation,

emotional divorce,

marital expectations.

Abstract

Abstract

Emotional divorce is one of the most significant family damages, with wide-ranging individual, familial, and social consequences. Accordingly, the present study was conducted to examine the role of virtual space addiction and triangulation in predicting emotional divorce, with the mediating role of marital expectations, in the city of Ardabil. The present study is applied in terms of its purpose and is a descriptive-survey of a correlational type in terms of its nature and method. The statistical population consisted of parents of elementary school students in Ardabil during the 2022–2023 academic year. An initial sample of 230 participants was selected through cluster sampling. To collect data, the Emotional Divorce Questionnaire, Internet Addiction Questionnaire, Marital Expectations Scale, and Triangulation Scale were employed. The data were analyzed using Pearson's correlation coefficient using SPSS (version 24), and structural equation modeling (SEM) was conducted using LISREL 8.8 software. The findings indicated that there were significant positive relationships between virtual space addiction ($r = 0.58$, $p < 0.01$), triangulation ($r = 0.54$, $p < 0.01$), and marital expectations ($r = -0.56$, $p < 0.01$) with emotional divorce among parents of elementary school students. Furthermore, the results of examining the mediating role of marital expectations revealed that this variable significantly mediated the relationship between emotional divorce, internet addiction, and triangulation. Therefore, the findings showed that an increase in virtual space addiction and a decrease in marital intimacy could contribute to emotional divorce. Accordingly, identifying underlying factors and providing support for individuals at risk may play an effective role in preventing this family-related damage.

***Corresponding author**
Email: nmikaeili@yahoo.com

How to Cite:
Kiamarzi, F., Mikaeili, N., Derakhshan, S., Narimani, M. (2025). The Role of Virtual Space Addiction and Triangulation in Predicting Emotional Divorce: The Mediating Role of Marital Expectations. *Journal of Family Psychology. 12*(1), 63-79.

©The Author(s). Published by Family Psychology Association of Iran.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

ISSN: 2717-3216 https://www.ijfpjournal.ir/

روانشناسی خانواده
دوره دوازدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴



مقاله پژوهشی

نقش اعتیاد به فضای مجازی و مثلث‌سازی در پیش‌بینی طلاق عاطفی با میانجی‌گری انتظارات زناشویی

فاطمه کیامرزی[۱]، نیلوفر میکائیلی[۲*]، شبنم درخشان[۳]، محمد نریمانی[۴]

۱.کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
۲. استاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
۳. کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
۴. استاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

کلیدواژه‌ها:

اعتیاد به فضای مجازی،

مثلث سازی،

طلاق عاطفی،

انتظارات زناشویی

چکیده

طلاق عاطفی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی است که پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی گسترده‌ای به‌همراه دارد، لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش اعتیاد به فضای مجازی و مثلث‌سازی در پیش‌بینی طلاق عاطفی با میانجی‌گری انتظارات زناشویی در شهر اردبیل انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و براساس ماهیت و روش، یک پژوهش توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در این پژوهش والدین دانش آموزان مدارس ابتدایی شهر اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود. نمونه اولیه ۲۳۰ نفر به روش نمونه گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های طلاق عاطفی (ED)، اعتیاد به اینترنت (IA)، انتظارات زناشویی و مثلث سازی استفاده گردید. داده‌های جمع آوری شده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون با کمک نرم افزار SPSS-24 و مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) به وسیله نرم‌افزار Lisrel 8.8 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد بین اعتیاد به فضای مجازی (P<۰/۰۱؛ r=۰/۵۸)، مثلث سازی (P<۰/۰۱؛ r=۰/۵۴) و انتظارات زناشویی (P<۰/۰۱؛ r=-۰/۵۶) با طلاق عاطفی والدین دانش آموزان ابتدایی ارتباط مستقیم و معنی‌دار برقرار است. نتایج حاصل از بررسی نقش میانجی‌گری انتظارات زناشویی نیز نشان داد که این متغیر میانجی‌گری معنی‌داری در رابطه بین طلاق عاطفی با اعتیاد به فضای مجازی و مثلث سازی دارد. بنابراین یافته های پژوهش نشان داد که افزایش اعتیاد به فضای مجازی و کاهش صمیمیت زوجین می‌تواند زمینه‌ساز طلاق عاطفی باشد؛ بنابراین، شناسایی عوامل زمینه‌ساز و حمایت از افراد در معرض خطر، می تواند در پیشگیری از این آسیب خانوادگی موثر باشد.

***نویسنده مسئول:**
پست الکترونیکی: nmikaeili@yahoo.com

استناد به این مقاله:
کیامرزی، فاطمه، میکائیلی، نیلوفر، درخشان، شبنم، نریمانی، محمد (۱۴۰۴). نقش اعتیاد به فضای مجازی و مثلث‌سازی در پیش‌بینی طلاق عاطفی با میانجی گری انتظارات زناشویی. *روانشناسی خانواده*، ۱۲(۱)، ۶۳-۷۹.

مقدمه

ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده و پرورش نسل آینده است. زندگی زناشویی یک رابطه اساسی انسانی است که زوجین از طریق آن می‌توانند نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی خود را برآورده کنند (Kazim & Rafique, 2021). اگرچه ازدواج دیگر یک الزام برای پذیرش اجتماعی نیست، بیشتر مردم با آرزوی زندگی مشترک رضایت‌بخش و طولانی ازدواج می‌کند (Karney & Bradbury, 2020). در ازدواج‌های پایدار و رضایت‌بخش، همسران معمولا سالم‌تر هستند و عمر طولانی‌تری دارند. عناصر تشکیل دهنده‌ی یک ازدواج موفق، تعهد، عشق، تفاهم، مراقبت، ارتباط خوب، نگرانی و با هم بودن است و برقراری ارتباط صمیمی، بیان نیازها، انتقال احساسات و افکار راه حل مشکلات در روابط زناشویی است (Manap et al., 2016). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مرد و زن با تمام تلاشی که در جهت انجام دقیق وظایف خود دارند، به مرور زمان عشق و علاقه بین آنها به سستی گراییده و گاهی به طور کامل از بین می‌رود و زوجین بدون هیچ‌گونه عاطفه و احساسی نسبت به هم، جدا از هم به زندگی خود ادامه می‌دهند (Atan & Buluş, 2019). طلاق فرایندی است که معمولاً با بحران عاطفی شروع شده و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد (Anderberg et al., 2018). طلاق عاطفی[1] به دلیل وجود تناقضات در گفته‌ها، اعمال و احساسات، یکی از دردناکترین شرایطی است که انسان ممکن است در آن قرار گیرد (Gottman & Silver, 2015). طلاق عاطفی یک واقعه نیست، بلکه فرایندی است که در طی زمان شکل می‌گیرد و با کاهش تدریجی احساسات زوجین به یکدیگر شروع شده (Jarwan & Alferhat, 2020) و با افزایش نارضایتی و تعارضات، زوجین را درگیر کشمکش دوجانبه می‌کند و منجربه افزایش کناره‌گیری‌ها، علیرغم همزیستی در یک محیط می‌گردد (Heydari, 2020). به نظر می‌رسد یکی از عواملی که ممکن است باعث به هم خوردن خواسته‌ها و انتظارات و تصورات طرفین از رابطه و طلاق عاطفی بعد از ازدواج می‌شود، اعتیاد همسران به فضای مجازی و اینترنت می‌باشد.

اینترنت یا دنیای رایانه مجازی و به طور مشخص تر، یک رسانه الکترونیکی است که برای تسهیل ارتباطات آنلاین استفاده می‌شود و ویژگی اصلی فضای مجازی[2] یک محیط تعاملی و مجازی برای طیف وسیعی از شرکت کنندگان است که به کاربران امکان می‌دهد اطلاعات را به اشتراک بگذارند، تعامل کنند، ایده‌ها را مبادله کنند، بازی کنند، در بحث‌ها یا انجمن‌های اجتماعی شرکت کنند، تجارت کنند و رسانه‌های بصری ایجاد کنند و بسیاری از فعالیت های دیگر را در این محیط انجام دهند. در واژگان رایج فناوری اطلاعات، هر سیستمی که پایگاه کاربری قابل توجهی داشته باشد یا حتی یک رابط کاربری خوب طراحی شده باشد را می توان «فضای مجازی» دانست (Horsfall, 2015). فضای مجازی، فضایی آموزنده، مفید و سرگرم کننده می‌باشد که برای بسیاری از افراد معتاد به اینترنت، در صورت نداشتن مهارت استفاده و گزینش آن، احتمال آسیب‌های روانی و رفتاری برای افراد وجود دارد که این آسیب‌ها گاها ناشی از نوع استفاده از آن، یعنی اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی بستگی دارد (forghani & khodamoradi, 2018). اعتیاد به فضای مجازی در سراسر جهان به عنوان تمایل غیرقابل کنترل به استفاده از فضای مجازی اطلاق می‌شود که فرد بیش از حد در آن سرگرم می‌شود به طوری که زندگی روزمره فرد مختل می‌شود و به یک مشکل جدی تبدیل می‌شود (Nourbakhsh, 2019).

جامعه ایران هم مثل خیلی از جوامع درحال پیشرفت، با چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی جدیدی در دوران گذار از فرهنگ‌های سنتی به مدرنیته، مواجهه با فرآیند جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات و ارتباطات روبه‌رو است که بخشی از این آسیب ها و چالش‌ها مستقیم است و به طور غیرمستقیم با ظهور و توسعه رسانه‌های جدید و دنیای مجازی و غیره مرتبط است که افراد در چند سال اخیر بیشتر از فضای مجازی استفاده کرده‌اند. این فرصت گاهی با افزایش آگاهی در موارد مختلف همراه است که شامل زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، عاطفی و خانوادگی و ایجاد تحولات مثبت می‌شود اما گاها نیز با پیامدهای منفی دیگری به خصوص در روابط زوجین به همراه است. پیامدهای منفی اعتیاد به فضای مجازی در نهایت بر نحوه ارتباط در محیط خانواده تأثیر می‌گذارد و چگونگی ارتباط با همسر که در صورت نامناسب بودن ارتباط، منجر به کاهش کیفیت روابط زوجین و صمیمیت بین آنها و احتمالاً منجر به ایجاد روابط خارج از ازدواج نیز منجر شود

1 emotional divorce
2 virtual space

(Lopez-Fernandez & Kuss, 2020). رسانه‌های مجازی در دهه‌های اخیر به دنبال تغییر سبک زندگی و ایجاد سبک‌های جدید زندگی هستند به طوری‌که فضای مجازی به جزء ضروری و جدایی ناپذیر زندگی انسان تبدیل شده است و نفوذ عمیقی بر زندگی افراد دارد که تاثیرات عمیق مطلوب و نامطلوب خود را در تمامی حیطه‌ها به خصوص حیطه خانواده می‌گذارد و منجر به تغییر سبک زندگی و روابط زناشویی شده است (Stvil et al., 2018). مطالعات اخیر نشان داده است که اعتیاد زوجین به شبکه های اجتماعی دلیل مهمی برای تخریب روابط آنها بوده است. بیش از ۸۰ درصد جمعیت در شبکه‌های اجتماعی ثبت نام کرده‌اند و زوج های بیشتری اعتیاد به شبکه را مقصر می‌دانند (Heydari, 2020). پژوهش‌ها حاکی از آن است که گرایش به طلاق با فضای مجازی (Bahrani et Alavi & Mahoor, 2022; al., 2018; Adzaho et al., 2020)، اعتیاد به اینترنت (Besra, 2020; Sobhani & Farhadi, 2012)، شبکه‌های اینترنتی (Tariqi, 2018) و گرایش به طلاق عاطفی با رسانه‌های جمعی (Khajeh noori & Naqshbandi, 2023)، مصرف رسانه (Nagshbandi et al., 2021)، اعتیاد به شبکه‌های مجازی اینترنتی (Demarcheli et al., 2023)، وابستگی به شبکه‌های اجتماعی (Yaghoubi et al., 2017)، اعتیاد به اینترنت (Parvaz et al., 2021; Rezaei, 2019) مرتبط است.

به نظر می‌رسد یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند بر میل به طلاق عاطفی اثرگذار باشد، مثلث سازی[3] می‌باشد. هرچه امتزاج درونی یک زوج بیشتر باشد، ایجاد تعادلی پایدار که هردو را راضی کند، سخت‌تر می‌شود. طبق نظر Bowen (1978) یکی از راه‌های خنثی کردن یک چنین رابطه‌ی دونفره‌ی اضطرابی در خانواده، مثلث‌سازی است. مثلث‌سازی یک تکنیک دستکاری است که در آن یکی از شرکا، فرد دیگری را وارد یک رابطه می‌کند تا کسی را مجبور کند برای جلب توجه او رقابت کند. همانطور که از کلمه مثلث دلالت دارد، سه نفر (یا بیشتر) در این پویایی درگیر هستند که در آن فرد با تمایلات خودشیفتگی یک مثلث عشقی ایجاد می‌کند، اگرچه لازم نیست یک رابطه عاشقانه باشد. همچنین می‌تواند یک دوستی، یک رابطه کاری، رابطه والدین و فرزند یا هر موقعیت دیگری باشد. مثلث‌سازی زمانی اتفاق می‌افتد که دو نفر که درگیر نوعی ارتباط متضاد هستند، سعی می‌کنند شخص ثالثی را درگیر کنند. نمونه‌هایی از این موارد عبارتند از؛ والدین جدا شده‌ای که رابطه سختی دارند و از فرزندشان می‌خواهند اطلاعاتی را با والدین دیگر به اشتراک بگذارد تا از برقراری ارتباط با یکدیگر جلوگیری کنند یا دوستانی که در حال دعوا هستند و از یک دوست سوم می‌خواهند که مشکل را حل کند. گاهی اوقات مثلث‌سازی می‌تواند بدون حضور شخص ثالث اتفاق بیفتد، مانند زمانی که والدین به جای ابراز نارضایتی خود و برقراری ارتباط آشکار با آنها، از تهدید والدین دیگر استفاده می‌کنند («صبر کن تا پدرت ببیند شما چه کار کرده‌اید!»). مثلث سازی یک پویایی نسبتاً رایج در هنگام وقوع تعارض است (Mcleod, 2023). در بگومگوهای زناشویی، رایج‌ترین مثلث‌ها به مشکلات فامیلی، روابط نامشروع و یا مشکلات فرزند منجر می‌شود. مثلث‌ها در بین نسل‌ها نیز دیده می‌شوند، زیرا والد یا فرزند دم دست‌ترین فرد برای کشیده شدن به دعواهای زناشویی هستند (Prochaska & Norcross, 2018). مثلث سازی می تواند یک عامل سازنده و تثبیت کننده باشد. مثلث سازی همچنین می‌تواند یک عامل مخرب و بی ثبات کننده باشد. بی‌ثبات‌کننده یا مثلث‌بندی بد می‌تواند ارتباطات را قطبی کند و درگیری را تشدید کند (Johnson, 2020). پژوهش‌ها حاکی از آن است مثلث‌سازی با تعارضات بیشتر زوجین و طلاق و گرمای کمتر مادر و سطوح بیشتر طلاق همراه است (Van dijk et al., 2021). همچنین، یافته پژوهش (Dehghani Sheshdhod & Yousefi, 2019) نشان داد که رابطه با همسر و مثلث سازی قدرت پیش‌بینی میل به طلاق را دارند و نتایج (Kianipour, 2019) حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین طلاق عاطفی با مثلث سازی با فرزند و مثلث‌سازی با اطرافیان بود.

به نظرمی‌رسد از عوامل دیگری که با متغیرهای مذکور ارتباط دارد انتظارات زناشویی[4] می‌باشد. همه ما انتظاراتی در زندگی داریم. ما انتظار داریم که خورشید طلوع کند و فصول تغییر کنند، ما انتظار داریم اداره پست نامه ما را تحویل دهد، والدینمان کارهای خاصی برایمان انجام دهند و شاید حتی از همسرمان توقع داریم که لباس های کثیف خود راعوض کند یا بشوید. افراد انتظارات خود را بر اساس تجربیات و درک شخصی خود قرار می‌دهند که اغلب از دوران کودکی شروع می‌شود. آنها از این که ما معتقدیم جهان فعال است و

3 trangulation
4 marital expectations

عوامل بر یکدیگر تاثیردارند، زاده شده‌اند. آنها ممکن است منطقی یا غیرمنطقی، واقع بینانه یا غیر واقع‌بینانه باشند. مبتنی بر حقیقت یا خیال، بر اساس حقایق یا نظرات، از تجربیات و تصمیمات افراد نشات گیرد. انتظارات زناشویی پیش فرض‌هایی در مورد اینکه چه رفتارهایی باید یا نباید در ازدواج انجام داد، آنها شامل باورهایی در مورد میزان اشتراک همسران در ارزش ها هستند، زمانی که زوج ها باید با هم بگذرانند، نحوه رسیدگی به اختلافات و هر کدام تعدادی دیگر از مسائلی که شخص معتقد است در ازدواج مهم است (Alexander, 2008). هر انتظاری که در حیطه رابطه زناشویی تعریف نشده باشد، انتظاری نابجا و نامعقول است، یعنی انتظارات بی‌مورد و غیرمنطقی از عوامل مخرب رابطه زناشویی هستند. در بسیاری از موارد زوج‌ها انتظارات نابجایی درباره ازدواج و همسر آینده دارند که این شادکامی آنها را به خطر می‌اندازد و در واقع، تنها نتیجه توقعات بی‌جای همسران از یکدیگر خشم، عصبانیت و دلخوری خواهد بود و همسرانی که از همدیگر انتظارات نابجا دارند، شانس داشتن یک زندگی زناشویی سالم را از دست می‌دهند و مشکلات زیادی در زندگی‌شان به وجود می‌آید، که اگر هم به طلاق منتهی نشود، می‌تواند طلاق عاطفی را به همراه داشته باشد. انتظارات افراد درباره‌ی یک رابطه‌ی عاطفی و عاشقانه و میزانی که این انتظارات واقعاً تحقق می‌یابند، یکی از پیش‌بینی کننده‌های مهم پیامدهای رابطه زناشویی است (Vanier & Salivan, 2017). انتظارات زناشویی به‌عنوان چارچوبی برای ارزیابی رفتار همسر عمل می‌کنند؛ اعتیاد به فضای مجازی و مثلث‌سازی باعث ایجاد یا تشدید انتظارات برآورده‌نشده می‌شوند و این نارضایتی زمینه‌ساز کاهش رضایت و بروز طلاق عاطفی است (Epstein & Fincham & Bradbury, 1993; Abbaspour et al., 2020; Kakolian et al., 2024; Kiani & Sadri Damirchi, 2023; Moradi et al., 2024; Yarmohammadi Vasel et al., 2023). مطالعاتی نیز تاثیر انتظارات زناشویی را در متغیرهای مورد بحث تصدیق می کند (Baucom, 2002). اولین قدم در ازدواج زوجین این است که طرفین مشخص کنند چه انتظاراتی دارند. برخی افراد از همسرانشان انتظار دارند کاری را انجام دهند که فقط خدا می تواند انجام دهد اعم از؛ برآوردن تمام نیازهای آنها برای امنیت، حمایت و نزدیکی، اما این بدان معنا نیست که زوجین باید استانداردهای خود را کاهش دهند بلکه افراد باید انتظارات واقع بینانه‌تری پرورش دهند. لیوانی که نیمه خالی است به همان اندازه نیمه پر در خود دارد، همه چیز به نحوه شناخت و انتظارات افراد بستگی دارد که این زمینه هم مانند بسیاری از زمینه های دیگر زندگی، خوشبختی افراد توسط انتظارات آنان تعیین می شود (Auter, 2022). توجه به نیازهای خانواده و تقویت توانمندی‌ها و رفع مشکلات آن‌ها می‌بایست در اولویت ارزش گذاری برنامه‌های هر جامعه‌ای باشد. کوتاهی و غفلت سیاست گذاران و مسئولان و نادیده گرفتن تغییرات اجتماعی سبب بروز مشکلاتی جدی مانند عدم آگاهی از استفاده صحیح از فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، طلاق عاطفی، اعتیاد به فضاهای مجازی، افزایش انتظارات غیرمعقول، روابط فرازناشویی مجازی و واقعی، فساد و اعتیاد، بیکاری و...خواهد شد. در مطالعات علمی ایران به موضوع طلاق عاطفی به عنوان بعد پنهان طلاق زوج‌ها کمتر توجه شده است و مطالعات بیشتر به موضوع طلاق رسمی پرداخته اند. بنابراین خلاء این‌گونه پژوهش‌هایی که این متغیرها (اعتیاد به فضای مجازی، طلاق عاطفی، مثلث‌سازی و انتظارات زناشویی) را در غالب یک مدل بررسی کرده باشد جدی به نظر می‌رسد. باتوجه به موارد مذکور، احتمال می‌رود متغیرهای اعتیاد به فضای مجازی و مثلث‌سازی با طلاق عاطفی با میانجی گری انتظارات زناشویی رابطه داشته باشند. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش اعتیاد به فضای مجازی و مثلث‌سازی در پیش‌بینی طلاق عاطفی با میانجی گری انتظارات زناشویی انجام شد.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از منظر روش، یک مطالعه توصیفی-همبستگی است که برای آزمون مدل مفهومی از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده می کند. از نظر زمانی، این مطالعه مقطعی و از حیث نوع داده‌ها کمی محسوب می‌شود. جامعه آماری شامل والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۱–۱۴۰۲ بود. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد، به نحوی که هر «خوشه» معادل یک مدرسه ابتدایی در نظر گرفته شد و واحد نهایی نمونه‌گیری والدین دانش‌آموزان کلاس‌های انتخاب‌شده در هر مدرسه بود. فرایند نمونه‌گیری شامل انتخاب تصادفی نواحی آموزشی، سپس انتخاب تصادفی مدارس در هر ناحیه و در نهایت انتخاب کلاس‌ها و والدین مربوط به آن کلاس‌ها به‌عنوان پاسخ‌دهندگان بود. با توجه به اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل‌های چندمتغیره و مدل‌سازی معادلات ساختاری و بر اساس نسبت حداقل پنج تا ده مشاهده به ازای هر متغیر مستقل، حجم نمونه لازم

حداقل ۲۰۰ نفر برآورد شد؛ اما با لحاظ کردن احتمال افت و عدم پاسخ‌دهی، تعداد ۲۳۰ نفر با رعایت ملاک‌های شمول و عدم‌شمول انتخاب شدند. ملاک‌های شمول شامل گزارش خودگزارشی مشکلات یا تعارضات زناشویی و تمایل به شرکت در پژوهش بود و ملاک‌های عدم‌شمول شامل فوت همسر یا سابقه طلاق یا ازدواج مجدد می‌شد. تمامی پرسشنامه‌ها به صورت ناشناس تکمیل شد تا محرمانگی اطلاعات حفظ گردد و نام مدارس در گزارش نهایی ذکر نشد. در این پژوهش تلاش شد تا در استفاده از منابع علمی، اصول امانت و اخلاق رعایت شود.

ابزار مورد استفاده

پرسشنامه طلاق عاطفی[5]: پرسشنامه طلاق عاطفی توسط (Mohammadi et al., 2016) ساخته شده و شامل ۳۶ گویه در ۹ بعد (انتقاد و سرزنش، سکوت و جبهه‌گیری، واکنش عاطفی، آمیزش عاطفی، قدرت و منابع، فقدان و افسردگی و سرخوردگی، زاویه سوم، محدود کردن و مشکلات جنسی) است که هر کدام از ابعاد دارای ۴ سوال است و با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمره کل پرسشنامه بین ۰ تا ۱۴۴ بوده و نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بیشتر طلاق عاطفی است. بنابراین، امتیاز بالاتر از ۷۲ برای کل پرسشنامه و بالاتر از ۸ برای هر متغیر نشان‌دهنده طلاق عاطفی بالاتر از میانگین در زندگی می‌باشد. در پژوهش (Mohammadi et al., 2016) پایایی زیرمقیاس‌ها بین ۰.۷۴ تا ۰.۹۰ گزارش شد. شواهد روایی پرسشنامه نیز از طریق تحلیل عاملی تأییدی، روایی همگرا و واگرا و همبستگی با مقیاس‌های معتبر دیگر شامل پرسشنامه میل به طلاق، مقیاس بی‌ثباتی ازدواج و پرسشنامه انریچ به دست آمد که ضرایب همبستگی در دامنه ۰.۵۶ تا ۰.۶۵ و در سطح معناداری $p < 0.01$ و $p < 0.001$ گزارش شد. در پژوهش حاضر پایایی به روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۸ بدست آمد.

پرسشنامه اعتیاد به اینترنت[6]: نخستین بار توسط یانگ (Young, 1998) ساخته شد تا میزان اعتیاد افراد به اینترنت و تأثیر استفاده بیش از حد از آن بر جنبه‌های مختلف زندگی را بسنجد. گویه‌های این ابزار بر اساس ملاک‌های راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی طراحی شده‌اند، با این هدف که تمایز بین اعتیاد به اینترنت و سایر اختلالات بیمارگون مشخص شود. این پرسشنامه شامل ۲۰ گویه است که بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از «بندرت» (۱) تا «همیشه» (۵) نمره‌گذاری می‌شود. نمره کل در دامنه ۲۰ تا ۱۰۰ قرار دارد و نمرات بالاتر بیانگر اعتیاد بیشتر به اینترنت است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش‌های مختلف قابل قبول گزارش شده است؛ به‌گونه‌ای که در پژوهش (Cao et al., 2007) آلفا کرونباخ برابر با ۰.۷۱ و در مطالعه Alavi et al. (2010) ضرایب پایایی بازآزمایی (۰.۸۲)، همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ (۰.۸۲) و دونیمه‌سازی (۰.۷۲) به دست آمده است. همچنین، روایی همزمان آن با فرم بلند اعتیاد به اینترنت یانگ ۰.۸۹ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰.۹۰ محاسبه شد.

پرسشنامه انتظارات زناشویی: این پرسشنامه توسط (Omidvar et al., 2007) ساخته شده است و شامل ۳۲ گویه می‌باشد که بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از «همیشه (۴)» تا «اصلاً (۰)» نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات از صفر تا ۱۲۸ متغیر است. این ابزار دارای سه خرده‌مقیاس است: انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی (۷ گویه)، انتظار از زندگی زناشویی (۱۱ گویه) و انتظار از یک رابطه ایده‌آل (۱۴ گویه). روایی و پایایی این پرسشنامه در مطالعات مختلف تأیید شده است؛ به‌طوری که آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۰ و ۰/۹۱ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۲ گزارش شده است. همچنین، روایی سازه با تحلیل عاملی تأییدی و همبستگی درونی خرده‌مقیاس‌ها با نمره کل بررسی شده که ۶۴/۳۰ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین کرده است (Omidvar et al., 2007). در پژوهش حاضر، ضریب پایایی کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسشنامه مثلث‌سازی[7]: این پرسشنامه توسط (Bahrami & Yousefi, 2017) و بر اساس نظریه ساختاری خانواده (Minuchin, 1974) طراحی شده است. ابزار شامل ۱۶ گویه است که بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً موافقم (۴)» تا «کاملاً مخالفم (۰)» نمره‌گذاری

5 emotional divorce questionnaire
6 internet addiction questionnaire
7 the triangulation questionnaire

می‌شود. دامنه نمرات کل از صفر تا ۶۴ متغیر است و هدف آن سنجش میل به مقابله با مشکلات ارتباطی از طریق دخیل کردن شخص ثالث می‌باشد. این پرسشنامه دارای سه خرده‌مقیاس است: مثلث‌سازی منفی، پشتیبان و مثلث‌سازی با فرزند. خرده‌مقیاس‌ها و نمره کل بر اساس تحلیل عوامل اکتشافی استخراج شده‌اند. روایی سازه‌ها توسط تحلیل عامل تاییدی، تحلیل عامل اکتشافی و بررسی همبستگی هر گویه با نمره کل بررسی شده و همچنین روایی همگرایی و صوری آن تأیید گردیده است. همسانی درونی کل پرسشنامه با آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۳ و ۰/۵۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمد.تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری و از طریق نرم افزارهای SPSS24 و Lisrel8.8 انجام شد.

یافته

تعداد ۲۰۰ نفر در بازه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال در این مطالعه شرکت داشتند. از میان ۲۰۰ نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش ۷۳ درصد (۱۴۶ نفر) آنها زن و ۲۷ درصد (۵۴ نفر) مرد، ۱۶/۵ درصد (۳۳ نفر) در بازه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال، ۳۴/۵ درصد (۶۹ نفر) ۲۵ تا ۲۹ سال، ۳۲ درصد (۶۴ نفر) ۳۰ تا ۳۴ سال و ۱۷ درصد (۳۴ نفر) در بازه سنی ۳۵ تا ۳۹ سال، ۳۹/۵ درصد (۷۹ نفر) دارای تحصیلات دیپلم، ۲۵ درصد (۵۰ نفر) کاردانی، ۲۵ درصد (۵۰ نفر) کارشناسی، ۸ درصد (۱۶ نفر) کارشناسی ارشد و ۲/۵ درصد (۵ نفر) دکتری و سابقه ازدواج ۳۳/۵ درصد (۶۷ نفر) ۶ تا ۸ سال، ۴۱/۵ درصد (۸۳ نفر) ۹۹ تا ۱۱ سال، ۱۸ درصد (۳۶ نفر) ۱۲ تا ۱۴ سال و ۷ درصد (۱۴ نفر) ۱۵ تا ۱۷ سال بودند.

جدول ۱. توصیف متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
طلاق عاطفی	۷۶/۷۲	۴۰/۹۱	-۰/۳۲	-۱/۳۱
اعتیاد به فضای مجازی	۶۴/۱۲	۲۲/۰۹	-۰/۴۳	-۱/۱۵
انتظارات زناشویی	۵۹/۰۸	۳۴/۰۴	۰/۴۱	-۱/۱۸
مثلث سازی	۳۵/۴۰	۱۶/۰۵	-۰/۳۱	-۰/۹۶

در جدول ۱، میانگین و انحراف معیار متغیرهای طلاق عاطفی، اعتیاد به فضای مجازی، انتظارات زناشویی و مثلث سازی نشان داده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده مقدار چولگی مشاهده شده برای متغیرهای پژوهش در بازه (۲، ۲-) قرار دارد؛ یعنی از لحاظ کجی متغیرهای طلاق عاطفی، اعتیاد به فضای مجازی، انتظارات زناشویی و مثلث سازی نرمال بوده و توزیع آن متقارن است. همچنین مقدار کشیدگی آن‌ها نیز در بازه (۲، ۲-) قرار دارد؛ این نشان می‌دهد توزیع متغیرهای پژوهش از کشیدگی نرمال برخوردار است.

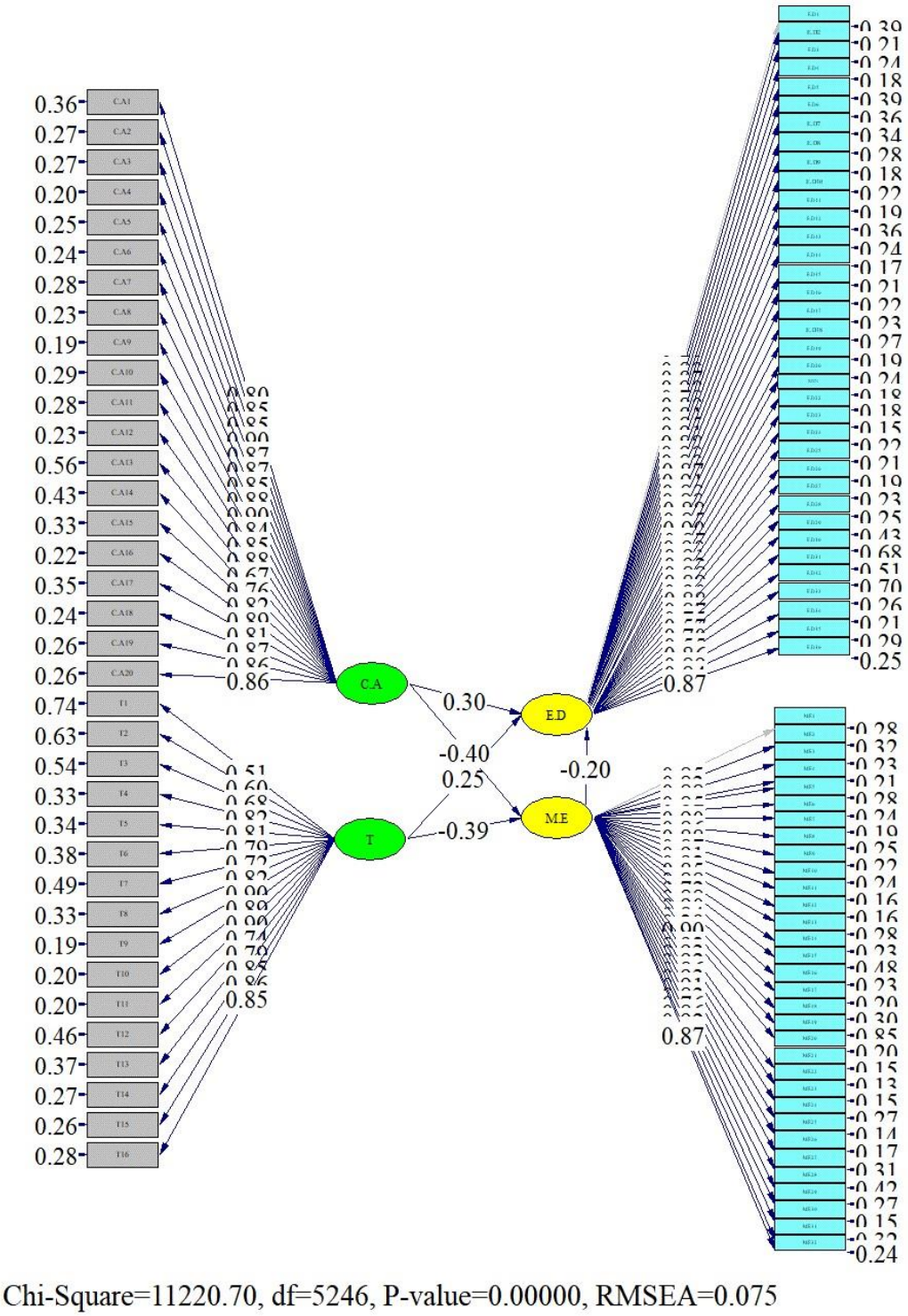
جدول۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	طلاق عاطفی	اعتیاد به فضای مجازی	انتظارات زناشویی	مثلث سازی
طلاق عاطفی	۱			
اعتیاد به فضای مجازی	۰/۵۸**	۱		
انتظارات زناشویی	-۰/۵۶**	-۰/۶۵**	۱	
مثلث سازی	۰/۵۴**	۰/۶۴**	-۰/۶۲**	۱

نتایج جدول۲، نشان می‌دهد بین طلاق عاطفی با اعتیاد به فضای مجازی (P<۰/۰۱؛ r=۰/۵۸) و مثلث سازی (P<۰/۰۱؛ r=۰/۵۴) در سطح ۹۹ درصد ارتباط مثبت و معنی‌دار و با انتظارات زناشویی (P<۰/۰۱؛ r=-۰/۵۶) در سطح ۹۹ درصد ارتباط منفی و معنی‌دار برقرار است.

در پژوهش حاضر با استفاده از تحلیل عاملی به بررسی بار عاملی بین متغیرهای آشکار با متغیرهای مکنون پرداخته شد. نتایج تحلیل

عاملی متغیرهای طلاق عاطفی، اعتیاد به فضای مجازی، انتظارات زناشویی و مثلث سازی نشان داد که تمام گویه‌های مرتبط با متغیرهای طلاق عاطفی، اعتیاد به فضای مجازی، انتظارات زناشویی و مثلث سازی، ضرایب همبستگی معناداری با متغیر مکنون دارا می‌باشند؛ زیرا میزان P-Value کوچکتر از ۰/۰۵ بود. از سوی دیگر مقدار بارهای عاملی تمام گویه‌ها بیشتر از ۰/۳ بود. در ادامه جهت بررسی ارتبط بین اعتیاد به فضای مجازی و مثلث‌سازی با طلاق عاطفی با نقش میانجی انتظارات زناشویی از روش مدل سازی معادلات ساختاری استفاده گردید.



نمودار ۱. آزمون مدل تحقیق (حالت استاندارد)

بر اساس شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش، شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر ۰/۹۳، شاخص برازش هنجار شده (NFI) برابر ۰/۹۱و شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر ۰/۸۸، که اگرچه مقدار شاخص نیکویی برازش بالای ۰/۹۰ معمولا معیار مطلوب است اما مقدار بالای ۰/۸۵ نیز در بسیاری از موارد قابل قبول تلقی میشود (Hair, 2009)، نسبت کای اسکوئر بر درجه آزادی برابر ۲/۱۳، شاخص ریشه میانگین مربعات خطا برابر (RMSEA) ۰/۰۷۵ می‌باشد که با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که مدل تحقیق ازنظر شاخص‌های معنی‌داری و برازش مورد تأئید است.

جدول ۳. اثرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش

متغیرها			ضرایب استاندارد	مقدار T	خطای استاندارد	معنی داری
اعتیاد به فضای مجازی	←	طلاق عاطفی	۰/۳۰	۳/۵۶	۰/۰۵۷	P<۰/۰۰۱
اعتیاد به فضای مجازی	←	انتظارات زناشویی	-۰/۴۰	-۵/۴۰	۰/۰۳۱	P<۰/۰۰۱
مثلث سازی	←	طلاق عاطفی	۰/۲۵	۲/۹۵	۰/۰۷۲	P<۰/۰۰۱
مثلث سازی	←	انتظارات زناشویی	-۰/۳۹	-۵/۲۱	۰/۰۳۴	P<۰/۰۰۱
انتظارات زناشویی	←	طلاق عاطفی	-۰/۲۰	-۲/۵۴	۰/۰۸۰	P<۰/۰۵

با توجه به جدول ۳ اثر مستقیم متغیرهای اعتیاد به فضای مجازی، مثلث سازی و انتظارات زناشویی بر طلاق عاطفی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار می‌باشد. یافته‌ها نشان داد که اعتیاد به فضای مجازی تأثیر مثبت و معناداری بر طلاق عاطفی دارد ($\beta = 0.30$، $T = 3.56$، $P < 0.001$). به بیان دیگر، هر چه میزان اعتیاد به فضای مجازی افزایش یابد، احتمال بروز طلاق عاطفی نیز بیشتر می‌شود. بین اعتیاد به فضای مجازی و انتظارات زناشویی رابطه منفی و معناداری مشاهده شد ($\beta = -0.40$، $T = -5.40$، $P < 0.001$). این یافته نشان می‌دهد که با افزایش استفاده افراطی از فضای مجازی، سطح انتظارات زناشویی کاهش می‌یابد. همچنین مثلث‌سازی تأثیر مثبت و معناداری بر طلاق عاطفی دارد ($\beta = 0.25$، $T = 2.95$، $P < 0.001$). به عبارت دیگر، ورود فرد یا منبع سوم (مثل دوستان، خانواده یا افراد بیرون از رابطه) در تعاملات زناشویی می‌تواند موجب افزایش تنش و نارضایتی و در نهایت افزایش احتمال طلاق عاطفی شود. بین مثلث‌سازی و انتظارات زناشویی رابطه منفی و معناداری به دست آمد ($\beta = -0.39$، $T = -5.21$، $P < 0.001$). این بدین معناست که هر چه میزان مثلث‌سازی بیشتر باشد، سطح انتظارات زناشویی کاهش پیدا می‌کند. یافته‌ها نشان داد که انتظارات زناشویی اثر منفی و معناداری بر طلاق عاطفی دارد ($\beta = -0.20$، $T = -2.54$، $P < 0.05$). این نتیجه حاکی از آن است که افزایش انتظارات زناشویی با کاهش احتمال بروز طلاق عاطفی همراه است.

جهت بررسی اثر غیرمستقیم اعتیاد به فضای مجازی و مثلث سازی بر طلاق عاطفی با میانجی‌گری انتظارات زناشویی از آزمون تست سوبل و برای تعیین شدت اثر غیرمستقیم از طریق میانجی از آماره‌ای به نام VAF[8] استفاده شده است. که نتایج آن در جدول ۴ ارائه گردیده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل اثرات غیرمستقیم

فرضیه پژوهش					T-sobel	ضریب مسیر استاندارد	آماره VAF	نتیجه آزمون
اعتیاد به فضای مجازی	←	انتظارات زناشویی	←	طلاق عاطفی	۳/۹۲۳	۰/۰۸۰	۰/۲۱۱	P<۰/۰۰۱
مثلث سازی	←	انتظارات زناشویی	←	طلاق عاطفی	۳/۷۲۲	۰/۰۷۸	۰/۲۳۸	P<۰/۰۰۱

8 variance accounted for

با توجه به مدل ساختاری پژوهش در حالت ضرایب معناداری مشاهده می‌شود میزان آماره تی غیرمستقیم (تی سوبل) بین متغیرهای بالا که خارج از بازه (۱/۹۶ &۱/۹۶-) است؛ لذا اثر غیر مستقیم اعتیاد به فضای مجازی و مثلث سازی بر انتظارات زناشویی پذیرفته می‌شود. بنابراین اعتیاد به فضای مجازی و مثلث سازی علاوه بر اثر مستقیم، به طور غیر مستقیم و از طریق انتظارات زناشویی نیز بر طلاق عاطفی تاثیر می‌گذارند. با توجه به میزان به‌دست‌آمده برای آماره VAF مشاهده می‌شود که ۲۱/۱ درصد تأثیر اعتیاد به فضای مجازی و ۲۳/۸ درصد تأثیر مثلث سازی بر طلاق عاطفی از طریق انتظارات زناشویی می‌تواند تبیین گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش اعتیاد به فضای مجازی و مثلث‌سازی در پیش‌بینی طلاق عاطفی با میانجی‌گری انتظارات زناشویی انجام گرفت. اولین یافته پژوهش نشان داد که بین اعتیاد به فضای مجازی و طلاق عاطفی ارتباط مثبت و معناداری وجود داشت که این یافته با پژوهش‌های (Abbasi, 2019; Adzaho et al., 2020; Alavi & Mahoor, 2022; Bahrani et al., 2018; Besra, 2020; Khaje noori & Naqshbandi, 2023; Naqshbandi et al., 2021; Parvaz et al., 2021; Valenzuela et al., 2014) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، برنامه‌های اینترنتی و فضای مجازی می‌توانند برای منحرف کردن افراد از مشکلات زندگی و اجتناب از احساسات منفی مانند تنهایی یا انزوای اجتماعی استفاده شوند. درواقع، افراد در هنگام استفاده از فضای مجازی از نوعی قدرت و احترام برخوردار می‌شوند و از فضای مجازی به‌عنوان جایگزینی برای شادی استفاده کنند (Longstreet & Brooks, 2017). استفاده افراد از فضای مجازی به‌شدت با درک آن به‌عنوان یک سبک مقابله و راهی برای جبران برخی کمبودها، مانند عزت‌نفس پایین، مرتبط است. در نتیجه، افراد از فضای مجازی رضایت زیادی کسب می‌کنند، زیرا با فرض شخصیت و هویت اجتماعی متفاوت، احساس بهتری در آن‌ها ایجاد می‌شود (Ahmed et al., 2021). از سویی، طلاق عاطفی زمانی ایجاد می‌شود که زوج‌ها احساس کنند اشتراکی با یکدیگر نداشته و روابط بین آن‌ها به حداقل برسد (Ganji, 2015). در روابط آسیب‌دیده، شخص از شبکه‌های مجازی به‌عنوان جایگزینی برای روابط با همسر بهره می‌جویند. فضای مجازی شرایطی را برای شخص فراهم می‌کند تا هر زمان نیاز داشت، به‌صورت مجازی به خواسته‌هایش دست یابد. چنانچه فرد استفاده‌کننده از شبکه‌های مجازی کنترلی بر رفتارهای خود نداشته باشد، شدت اعتیاد وی بیشتر و میزان آسیب واردشده به روابط زناشویی نیز بیشتر خواهد بود (Agbaria, 2021). عدم کنترل و مشکلات مدیریت زمان در استفاده از فضای مجازی، افراد متأهل را تحت تأثیر قرار داده، آن‌ها را ازنظر جسمی از تعاملات همسری و زناشویی دور می‌کند و بر تعاملات اجتماعی و روابط بین فردی با دیگران تأثیر منفی می‌گذارد. افراد متأهل که به فضای مجازی معتاد هستند، استفاده از آن را به‌جای روابط زناشویی خود انتخاب می‌کنند (Şenormanci et al., 2014). کاهش تعاملات زوجین به دلیل گذراندن ساعات زیادی از روز در این شبکه‌ها باعث سردی روابط بین آنان و عدم توجه به نیازهای یکدیگر شده و تنش‌های عاطفی و جنسی بین آنان را دامن میزند. همچنین ممکن است یکی از طرفین، درگیر روابط عاطفی با فرد دیگری شود و حضور در این شبکه‌ها نقطه آغاز سوءاستفاده از اعتماد طرف مقابل و طلاق عاطفی و در شکل عمیق‌تر آن، خیانت فیزیکی به همسر شود (Loudová, Janiš & Haviger, 2013). درواقع، استفادهٔ بیش‌ازاندازه از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آنلاین باعث کم شدن صمیمیت و غفلت زوجین از هم می‌شود. سردی در روابط زناشویی بنیان خانواده را متزلزل نموده و طلاق عاطفی را افزایش می‌دهد. زمانی که نیاز افراد بیشتر از طریق رسانه‌ها برطرف شود، افراد زمان بیشتری را صرف بودن در فضای مجازی می‌کنند. زوجین در این شرایط اوقات کمتری را باهم سپری می‌کنند و مهارت‌های ارتباطی در دنیای واقعی فراموش می‌شود و این سرچشمهٔ تعارضات در زندگی زناشویی و طلاق عاطفی میان زوجین است.

دیگر یافته پژوهش نشان داد که بین مثلث‌سازی و طلاق عاطفی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد که این یافته با پژوهش‌های (Dehghani Sheshdhod & Yousefi, 2019; Kianipour, 2019; Van dijk et al., 2021; Van dijk et al., 2022) همسو است. در

تبیین این یافته می‌توان گفت، رفتارهای رایج مثلثی شامل تحت‌فشار قرار دادن کودکان برای جانبداری، استفاده از آن‌ها به‌عنوان پیام‌رسان یا تحقیر یا افشای اطلاعات منفی در مورد والدین دیگر برای کودک است. مثلث‌سازی مرزهای طبیعی یک سیستم خانواده سازمان‌یافته را نقض نموده و زوجین را در موقعیتی گیج‌کننده و ناراحت‌کننده قرار می‌دهد (Kerig & Swanson, 2010). تأثیر مخرب مثلث‌سازی با مشکلات درونی و بیرونی در کودکان، چه از خانواده‌های سالم و چه از خانواده‌های مطلقه مرتبط است (Etkin et al., 2014). همچنین، در خانواده‌های طلاق، که در آن سازمان‌دهی مجدد کل خانواده و زیرسیستم‌های مختلف آن از قبل بر کودکان فشار وارد می‌کند، احتمال وقوع مثلث بیشتر است (Baker & Eichler, 2014). فرآیندهای منفی خانوادگی مانند مثلث‌سازی، به ناسازگاری زناشویی و طلاق کمک می‌کند و با تعارض بین والدینی همراه است (Van dijkt et al., 2020)، اما مثلث‌سازی فراتر از برخوردهای تعارض‌آمیز بین والدین است و مستلزم رفتارهای والدینی است که کودک را در مشکلات والدین و مسائل بین آن‌ها درگیر می‌کند (Baker & Eichler, 2014). با مثلث‌سازی، مرز زناشویی نقض شده و یک مرز ضعیف و از هم پاشیده تشکیل می‌شود. این نوع مرز موجب می‌گردد که زوجین به‌جای اعتماد، اتکا و یاری از همسر به شخص سوم روی آورد و به نظر می‌رسد این شخص سوم باعث شود که احساسات و عواطف زوجین به‌جای هم به‌سوی آن شخص سرازیر شود و طلاق عاطفی زوجین را به همراه داشته باشد.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که بین اعتیاد به فضای مجازی با طلاق عاطفی زوجین از طریق انتظارات زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد. پژوهش مشابهی در این راستا مشاهده نشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، اعتیاد به فضای مجازی، انگیزه غیرقابل‌کنترل برای ورود یا استفاده از رسانه‌های اجتماعی و صرف زمان و تلاش زیادی برای رسانه‌های اجتماعی است که به سایر حوزه‌های مهم زندگی آسیب می‌رساند (Andreassen & Pallesen, 2014). اعتیاد به فضای مجازی با رضایت از رابطه، ارتباط منفی دارد و نفوذ آن از طریق حسادت شناختی و رفتارهای نظارتی با نارضایتی از رابطه همراه است (Yacoub et al., 2018). اعتیاد به فضای مجازی موجب جدایی احساسی می‌شود (Abbasi, 2019)، که با افزایش سطح رضایت از رابطه، سطح اعتیاد آن‌ها به رسانه‌های مجازی کاهش می‌یابد (Demircioglu & Goncu—Kose, 2021). استفاده از این فضا موجب تعارض در روابط عاشقانه، حسادت و خیانت (Arikewuyo et al., 2020)، کاهش تعهد روابط عاشقانه (Abbasi, 2019) می‌شود. با توجه به تأثیرات استفاده از شبکه‌های مجازی بر شکل دادن به زندگی بسیاری از بزرگ‌سالان از بسیاری جهات، احتمالاً اعتیاد به فضای مجازی متغیر مهمی در شکل‌گیری باورها و انتظارات زوجین در مورد ازدواج است. ازآنجایی‌که کاربران فضای مجازی با محتوای مفید و مضر در سایت‌های مختلف مواجه می‌شوند، استفاده از آن‌ها احتمالاً معضلی در شکل‌گیری باورها و انتظارات زناشویی است و چنین معضلی ممکن است منجر به عدم وجود پیوند معنادار بین زوجین شود (Can, 2015). استفاده مکرر از فضای مجازی منجر به‌تنهایی شده که نگرش و انتظارات نسبت به زندگی زناشویی را تغییر می‌دهد (Rhoades et al., 2009) و این تغییر نگرش‌ها و انتظارات زوجین می‌تواند نقش بسیاری در ایجاد روابط عاطفی ناکارآمد بین زوجین و نارضایی آن‌ها از روابط زناشویی داشته باشد. انتظارات غیرمنطقی عامل اصلی بسیاری از تفاوت‌های اجتماعی به‌ویژه روابط زناشویی است، چنین انتظاراتی به دلیل وجود افکار نادرست و ناسازگار در زوجین است (Rothman, 2017). هنگامی‌که انتظارات زناشویی محقق نشود، زوجین فقدان رضایت و دلسردی را در روابط زناشویی تجربه می‌کنند. چه انتظارات زناشویی برآورده شود یا نه، شخص یک حالت درونی و ذهنی را تجربه می‌کند که نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. ناتوانی در تحقق انتظارات از زندگی مشترک باعث می‌شود که زوجین از هم دلسرد شوند. این ناامیدی و دلسردی از هم در برآورده نمودن انتظارات، بر انگیزه آن‌ها در انجام نقش‌های خود در خانواده تأثیر منفی گذاشته و باعث ایجاد تعارض‌ها در زندگی زناشویی و طلاق عاطفی می‌شود.

همچنین، یافته دیگر پژوهش نشان داد که بین مثلث‌سازی و طلاق عاطفی از طریق انتظارات زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد. پژوهش مشابهی در این راستا مشاهده نشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، وقتی یک زوج در روابط خود تعارض حل‌نشده‌ای

دارند، احتمالاً والدین و فرزندان خود را درگیر تعارض می‌کنند تا مقداری از اضطراب و تنش بین آن‌ها را رها شود. شاید افرادی که در ازدواج خود مضطرب‌تر بوده‌اند بیشتر برای حمایت عاطفی به والدین خود مراجعه می‌کنند. زوجینی که مرزهای کمتری در مورد روابط خود دارند، با احتمال بیشتری اطلاعات شخصی خود را برای افراد دیگری که به‌عنوان افراد قابل‌اعتماد تعریف می‌شوند افشا کنند (Epstein et al., 2005). بنابراین، مثلث‌سازی خانوادگی و کیفیت زناشویی ممکن است به‌صورت دایره‌ای تحت تأثیر هم باشند، به صورتی که سطوح مثلثی بالاتر می‌تواند منجر به رضایت زناشویی کمتر شود و زمانی که کیفیت ازدواج پایین است، استرس ازدواج افزایش می‌یابد که منجر به افزایش سطح مثلث‌سازی خانواده می‌شود (Hu et al., 2015). زوجینی که مثلثی را شکل می‌دهند، معمولاً در مورد وجود هر نوع اختلاف و ناسازگاری واقعی در داخل رابطه‌شان انکار شدیدی می‌کنند و بین آن‌ها نزدیکی بدون هیچ‌گونه گرمی و صمیمت وجود دارد. زمانی‌که یک شخص سومی به عنوان واسطه وارد رابطه زوج می‌شود، می‌توان گفت که مرز زناشویی نقض شده و یک مرز ضعیف و ازهم پاشیده شکل می‌گیرد (Kianipour, 2019). عامل تعیین‌کننده در دخالت شخص سوم، ناتوانی زوجین در مواجهه با آسیب، غلبه بر استرس یا توانایی ضعیف آن‌ها در حل مشکل است (Bell et al., 2001). وجود مرزها باعث می‌شود والدین به‌جای اتکا، اعتماد و کمک به همسرشان به‌سوی فرزندان خود روی‌آورند (Fosco & Grych, 2010). براثر اضافه شدن شخص سوم، نظام ثابت خانواده و دو نفره زوجین دچار عدم تعادل و استواری شده و زوجین در روابط خود دچار اضطراب می‌شوند که می‌تواند بر باورها و انتظارات آن‌ها از هم اثرگذار باشد. ناسازگاری‌ها و مشکلات عاطفی ناشی از نحوه درک، تفسیر و پردازش اطلاعات توسط محرک‌ها و رویدادهایی است که زیربنای افکار و انتظارات منفی است. یکی از زمینه‌های اصلی تأثیر انتظارات غیرمنطقی و ناکارآمد، زندگی زناشویی است. انتظارات مطلوب، موجب می‌شود شخص نیازهای شریک زندگی خویش را به‌درستی ارزیابی نموده، رفتارهای هم را پیش‌بینی کنند، لذا، احساس پیش‌بینی پذیری، کنترل و امنیت در آن‌ها توسعه‌یافته و موجب تعاملات سازگار و سطوح بالایی از رضایت زناشویی می‌شود. طلاق و جدایی زوجین ناشی از فاصله بین انتظارات و تصورات آن‌ها از ازدواج و واقعیتی است که در یک رابطه زناشویی آن را تجربه می‌کنند (Miller & Tedder, 2011). انتظارات افراد در ازدواج و طلاق در هر زمان معینی می‌تواند تا حدودی ناشی از وضعیت روابط زوجین باشد. درک خوب نیازها و انتظارات به تاب‌آوری بیشتر خانواده‌ها و به حداقل رساندن پیامدهای طلاق عاطفی کمک می‌کند.

به‌طورکلی، یافته‌های پژوهش نشان داد بین اعتیاد به فضای مجازی، مثلث سازی و انتظارات زناشویی با طلاق عاطفی والدین دانش آموزان ابتدایی ارتباط معناداری وجود دارد و انتظارات زناشویی می‌تواند نقش میانجی در رابطه بین طلاق عاطفی با اعتیاد به فضای مجازی و مثلث سازی داشته باشد. بنابراین اعتیاد به فضای مجازی با افزایش شبکه‌های اجتماعی و کاهش صمیمیت بین زوجین و افزایش فاصله بین آن‌ها می‌تواند باعث افزایش طلاق عاطفی شود. همچنین، نیازها و انتظارات اعضای خانواده دارای اعتیاد به فضای مجازی باید موردتوجه قرار گیرد. می‌توان با شناسایی شرایط زمینه‌ساز و افراد در معرض خطر استفاده از فضای مجازی از طلاق عاطفی پیشگیری کرد. هر پژوهشی با محدودیت‌هایی همراه است، نخست، آمار رسمی و جدیدی از طلاق عاطفی در کل کشور و به‌ویژه در شهر اردبیل موجود نبود. ازسویی، نمونه پژوهش شامل والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر اردبیل بود که باید در تعمیم نتایج با احتیاط عمل نمود، لذا؛ پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابهی در سایر رده‌های سنی دانش‌آموزان و در سایر شهرها نیز به‌منظور مقایسه با نتایج پژوهش حاضر انجام شود. در پژوهش حاضر به‌منظور ارزیابی متغیرهای پژوهش تنها از منبع اطلاعاتی پرسشنامه استفاده‌شده است. لذا، استفاده از سایر منابع سنجش می‌توانست بر دقت نتایج بیفزاید. عدم کنترل متغیرهای مداخله‌گر مانند؛ وضعیت اجتماعی اقتصادی، نوع شخصیت، فشارهای محیطی و سطوح طبقاتی خانوادگی، محدودیت دیگر پژوهش بود که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده مدنظر قرار گیرند. پیشنهاد می‌شود، با ارائه اقداماتی مانند مشاوره و آموزش به زوجین در زمینه شناسایی مؤلفه‌های زمینه‌ساز طلاق عاطفی و مشاوره در زمینه آن‌ها به خانواده‌ها به‌وسیله سازمان‌های مربوط، باعث ارتقای انسجام خانواده‌ها و ایمن شدن آن‌ها در مقابل این پدیده شد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان از شرکت کنندگان و مدارس اردبیل برای همکاری و صبوری در کمک به تحقیق تشکر می کنند.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

Abbasi, I. S. (2019). Social media addiction in romantic relationships: Does user's age influence vulnerability to social media infidelity? *Personality and Individual Differences,* 139, 277-280. [In Persian] https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.10.038

Abbaspour, Z., Karimi Vardanjani, M. and Khojastehmehr, R. (2020). The mediating role of fulfillment of marital expectations in the effect of marital satisfaction on high marital expectations, optimism and relationship self-efficacy in university personell. *Positive Psychology Research,* 5(4), 1-14. https://doi.org/10.22108/ppls.2020.116042.1684

Adzaho, R. D., Amoako, B. M., & Danyoh, J. D. (2020). Social media use and marital communication of Christian couples in Sogakope, Ghana. *Hybrid Journal of Psychology*, 1(1), 29-45. https://orcid.org/0000-0001-5601-0791

Agbaria,Q. (2021).Internet addiction and aggression: The mediating roles of self-control and positive affect. *International Journal of Mental Health and Addiction*,19(4),1227-1242. https://doi.org/10.1007/s11469-019-00220-z

Ahmed, O., Siddiqua, S. J. N., Alam, N., & Griffiths, M. D. (2021). The mediating role of problematic social media use in the relationship between social avoidance/distress and self-esteem. *Technology in Society*, 64, 101485. https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2020.101485

Alavi, S.S., Islami, M., Merasi, M.R., Najafi, M., Jannatifard, F. and Rezapour, H. (2010). Psychometric properties of Young's internet addiction test. *Journal of Behavioral Sciences,* 4(3 (13)), 183-189. https://www.behavsci.ir/article_67688.html

Alavi, M., & Mahoor, H. (2013). The relationship between differentiation and implementation of cyberspace with divorce tendency with regard to the mediating role of the health of the original family in divorce applicants. *Quarterly Journal of Women and Family Studies,* 59(16), 46-27. [In Persian]. 10.30495/JWSF.2022.1947744.1640

Alexander, A. L. (2008). Relationship resources for coping with unfulfilled standards in dating relationships: Commitment, satisfaction, and closeness. *Journal of Social and Personal Relationships*, 25, 725-747. https://doi.org/10.1177/0265407508093783

Andreassen, C. S., & Pallesen, S. (2014). Social network site addiction – An overview. *Current Pharmaceutical Design,* 20(25), 4053–4061. https://doi.org/10.2174/ 1381612811319999061

Arikewuyo, A. O., Lasisi, T. T., Abdulbaqi, S. S., Omoloso, A. I., & Arikewuyo, H. O. (2020). Evaluating the use of social media in escalating conflicts in romantic relationships. *Journal of Public Affairs, advanced online publication*. https://doi.org/10.1002/pa.2331

Anderberg, D., Rainer, H., & Roeder, K. (2018). Family-specific investments and divorce with dynamically inconsistent households: Marital contracts and policy. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 148, 199-225. DOI: 10.1016/j.jebo.2018.02.019

Atan, A., & Buluş, M. (2019). Aile iletişim becerileri psikoeğitim programının eşlerin evlilik doyumuna etkisi1 the effect of family communication skills psycho-educational program on couples' marital satisfaction. *Elementary Education Online*, 18(1), 226-240. DOI:10.17051/ilkonline.2019.527205

Auter, G. (2022). Expectation in marriage and divorce. *Western Michigan University article*, 28(2), 4-17. doi: 10.1177/2167696819879008

Baker, A. J. L., & Eichler, A. (2014). College student childhood exposure to parental loyalty conflicts. *Families in Society*, 95(1), 59–66. https://doi.org/10.1606/1044-3894.2014.95.9

Bahrami, A., & Yousefi, Z. (2017). Examining the psychometric properties of family structural scales (Master's thesis). Islamic Azad University, Isfahan, Iran. https://civilica.com/doc/1713532/

Bahrani, A., Golestani, A. R., & Rezapour, D. (2019). Studying the impact of virtual social networks on divorce rates (case study of Shadegan County).[In Persian]. https://civilica.com/doc/993135

Bell, L. G., Bell, D. C., & Nakata, Y. (2001). Triangulation and adolescent development in the US and Japan. *Family Process*, 40(2), 173-186. doi: 10.1111/j.1545-5300.2001.4020100173.x

Besra, T. A. Ş. (2020). Examining the anxiety and internet addiction levels of divorced and married individuals. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 7(3), 223-234. [In Persian]. https://doi.org/10.17220/ijpes.2020.03.019

Bowen, M. (1978). Family therapy in clinical practice. *Northvale: Jason Aronson*. DOI: 10.4236/psych.2018.910139

Can, Y. (2015). €Universite €ogrencilerinin aile, cinsiyet rolleri ve kadı na y€onelik s¸iddete ilis¸kin tutumları [Attitude of the university students, family, gender roles and violence towards the women. *International Journal of Social Sciences and Education Research*, 1(1), 163–175. https://doi.org/10.24289/ijsser.106407

Cao, F., Su, L., Liu, T., & Gao, X. (2007). The relationship between impulsivity and Internet addiction in a sample of Chinese adolescents. European Psychiatry, 22(7), 466-471. https://doi.org/10.1016/j.eurpsy.2007.05.004

Demarcheli, P,. Zargham Hajibi, M,. & Navabinejad, Sh. (2023). The mediating roles of self-control in the relationship between the use of virtual social networks and sensation seeking with emotional divorce and attitudes towards marital infidelity in women with extramarital relationships. *Family Psychology. 9*(1), 30-44. [In Persian] doi: 10.22034/ijfp.2022.546642.1072

Demircioglu, Z. I., & G€onc€u-K€ose, A. (2021). Effects of attachment styles, dark triad, rejection sensitivity, and relationship satisfaction on social media addiction: A mediated model. *Current Psychology*, 40(1), 414–428. https://doi.org/10.1007/s12144-018-9956-x

Dehghani Sheshdhod, Z., & Yousefi, Z. (2019). Structural equation modeling of the tendency to divorce based on systemic variables (triangulation, relationship with spouse), psychological variables (agreeableness and control methods), and social variables (how to spend leisure time) of mothers in Isfahan. *Family Studies*, 15(1), 155-170. [In Persian]. https://jfr.sbu.ac.ir/article_97713.html

Epstein, N. B., & Baucom, D. H. (2002). Enhanced cognitive-behavioral therapy for couples: A contextual approach. *American Psychological Association*. https://doi.org/10.1037/10481-000

Epstein, N. B., Chen, F., & Beyder-Kamjou, I. (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples. *Journal of marital and family therapy*, 31(1), 59-74. https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2005.tb01543.x

Etkin, R. G., Koss, K. J., Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2014). The differential impact of parental warmth on externalizing problems among triangulated adolescents. *The Journal of Genetic Psychology: Research and Theory on Human Development*, 175(2), 118–133. https://doi.org/10.1080/00221325.2013.813437

Fincham, F. D., & Bradbury, T. N. (1993). Marital satisfaction, depression, and attributions: A longitudinal analysis. *Journal of Personality and Social Psychology, 64*(3), 442–452. https://doi.org/10.1037/0022-3514.64.3.442

Fosco, G. M., & Grych, J. H. (2010). Adolescent triangulation into parental conflicts: Longitudinal implications for appraisals and adolescentparent relations. *Journal of Marriage and Family*, 72(2), 254-266. https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2010.00697.x

Forghani, M., M. & Khodamoradi, Y. (2019). The role of media literacy in moderating online advertising (Case study: high school students in Chaharmahal and Bakhtiari). *Journal of Culture and Communication Studies*, 20(45), 85-102.[In Persian]. doi: 10.22083/jccs.2018.140379.2500

Ganji, M., Niazi, M., & Malekpour Shahraki, A. (2015). Investigating the effect of addiction to new communication technologies (Internet and satellite) on family disintegration in Shahrekord. *Social Studies and Research in Iran*, 4(1), 167-194. [In Persian]. https://doi.org/10.22083/jccs.2024.457184.3869

Gottman, J. M., & Silver, N. (2015). The seven principles for making marriage work: A practical guide from the country's foremost relationship expert. *Harmony*. DOI: 10.4103/jehp.jehp_1504_21

Hair, J. F. (2009). Multivariate data analysis (7th ed.). *Pearson Education*. https://digitalcommons.kennesaw.edu/facpubs/2925/

Heydari, Hossein. (2020). A comparative study of the impact of virtual social networks on marital relationships with an emphasis on gender (case study: married people in Tehran). *Communication Research*, 28(108), 133-163.[In Persian]. https://doi.org/10.22082/cr.2022.540643.2241

Hu, W., Sze, Y. T., Chen, H., & Fang, X. (2015). Actor–partner analyses of the relationship between family-of-origin triangulation and marital satisfaction in Chinese couples. *Journal of Child and Family Studies*, 24, 2135-2146. DOI:10.1007/s10826-014-0015-4

Horsfal, J. (2015). An application of Bowen family systems theory. *Issues in mental health nursing*, 35 (11), 835-841. DOI: 10.3109/01612840.2014.921257

Jarwan, A. S., & Al-frehat, B. M. (2020). Emotional Divorce and its Relationship with Psychological Hardiness. *International Journal of Education and Practice*, 8(1), 72–85. https://doi.org/10.18488/journal.61.2020.81.72.85

Johnson, R. Skip. (2020). Escaping conflict and the karpman drama triangle. *BPDFamily.com. BPDFamily*. Retrieved 4 January 2021. https://www.wikiwand.com/en/articles/Karpman_drama_triangle

Kakolian, S., Mashayekh, M., Davaee, M., & Khosravi Babadi, A. A. (2024). The role of marital conflicts and marital expectations in predicting satisfaction with marital relations. *Iranian Journal of Rehabilitation Research*, *10*(2), 89-97. http://dx.doi.org/10.22034/IJRN.10.2.9

Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020). Research on marital satisfaction and stability in the challenging conventional wisdom. *Marriage Fam*, 82, 100-116. https://doi.org/10.1111/jomf.12635

Kazim, S. M., & Rafique, R. (2021). Predictors of marital satisfaction in individualistic and collectivist cultures: A mini review. *Journal of Research in Psychology*, 3(1), 55–67. 10.31580/jrp.v3i1.1958

Kerig, P. K., & Swanson, J. A. (2010). Ties that bind: Triangulation, boundary dissolution, and the effects of interparental conflict on child development. In M. S. Schulz, M. K. Pruett, P. K. Kerig, & R. D. Parke (Eds.), Strengthening couple relationships for optimal child development: Lessons from research and intervention (pp. 59–76). *American Psychological Association*. https://doi.org/10.1037/12058-005

Kianipour, F. (2019). The role of triangulation and power structure in predicting emotional divorce among teachers. *The Second National Conference on Social Harms, Ardabil.* [In Persian]. https://isnac.ir/XBHC-EBEEA

Kiani, A,. & Sadri Damirchi, E. (2023). Modeling reduce the risk of divorce based on marital intimacy, triangulation and attachment with the mediating role of Cohesion and Adaptability in married people with a history of 2 to 5 years. *Biannual Journal of Applied Counseling*, *13*(2), 63-77. https://doi.org/10.22055/jac.2024.43678.1957

Khajeh Nouri, B,. and Naqshbandi, Sh. (2023). Mass media, social comparison and emotional divorce among married women in Shiraz: Implications for continuity and well-being of families. *Continuity and Social Change*, 2(1), 7-24. [In Persian]. 10.22034/JSCC.2022.2842

Longstreet, P., & Brooks, S. (2017). Life satisfaction: A key to managing internet & social media addiction. *Technology in society*, 50, 73-77. https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2017.05.003

Lopez-Fernandez, O., & Kuss, D. J. (2020). Preventing harmful internet use-related addiction problems in Europe: A literature review and policy options. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(11), 3797. DOI: 10.3390/ijerph17113797

Loudová, I., Janiš, K., & Haviger, J. (2013). Infidelity as a threatening factor to the existence of the family. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 106, 1462-1469. https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.12.164

Manap, J., Kassim, A. C., Hoesni, S., Nen, S., Idris, F., & Ghazali, F. (2016). The purpose of marriage among single Malaysian youth. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 82 (1), 112-116. DOI:10.1016/j.sbspro.2013.06.233

Mcleod, soul. (2023).Trangulation in psycology: impact on Relationship & How To Respond,Eductor,Researcher psycology, MRes, PhD, University of Manchester. https://www.simplypsychology.org/what-is-triangulation-in-psychology.html

Miller, J., & Tedder, B. (2011). The discrepancy between expectations and reality: Satisfaction in romantic relationships. *Journal of Family Psychology*, 21, 572- 583. https://psychology.hanover.edu/research/Thesis12/papers/Millar%20Teddar%20Final%20Paper.pdf

Minuchin S. (1974). Families and family therapy. *Massachusetts. Cambrige.* https://doi.org/10.1176/appi.psychotherapy.1974.28.3.466

Mohammadi, F,. Jokar Kamalabadi, M,. & Golestaneh, M. (2016). Construction, factor analysis and norming of the Emotional Divorce Test. *Quarterly Journal of Women and Family Studies*, 9(34). [In Persian]. https://ensani.ir/fa/article/375302/

Moradi, A,. Azadi, M,. Mosazadeh, Z. (2024). Modeling the structural equations of marital boredom in women seeking divorce based on initial incompatible schemas, marital expectations, and emotional information processing with the mediating role of sexual self-concept. *Research in psychological health.* 18 (3); 91-105. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20080166.1403.18.3.7.2

Naqshbandi, Sh,. Khajeh Nouri, B,. & Abbasi Shavazi, M. T. (2021). Explaining the relationship between media consumption and emotional divorce, with emphasis on the media (Case study: Married women in Shiraz). *Social Issues of Iran (Khwarazmi University)*, 13(1), 249-269.[In Persian]. https://sid.ir/paper/1003443/fa

Nourbakhsh Dologh, M. (2019). Predicting marital infidelity based on internet knowledge in couples applying for divorce and referring to the family court. *Ardabil Quarterly Journal of Management Sciences*, 6 (23), 123-109. [In Persian]. 10.30495/JWSF.2021.1895217.1430

Omidvar, B., Fatehizadeh, M., & Ahmadi, S. A. (2007). The effect of premarital training on marital attitudes of university students in Shiraz. *Family Research Quarterly*, 5(18), 231-246. https://www.magiran.com/p680988

Parvaz, Y., Ebrahimi, L. S., & Mousavi, S. E. (2021). Psychological predictors of emotional divorce in couples. *Researcher Bulletin of Medical Sciences*, 26(1), e9-e9. https://journals.sbmu.ac.ir/index.php/rbms/article/view/37522

Prochaska, J. O., & Norcross, J. C. (2018). Systems of psychotherapy: A transtheoretical analysis. Oxford University Press. https://www.amazon.com/Systems-Psychotherapy-Transtheoretical-James-Prochaska/dp/0190880414

Rezaei, F. (2020). Investigating the relationship between mobile phone harmful use and Internet addiction with emotional divorce of teachers in Kermanshah city. *Rooyesh. 9*(3), 69-76. [In Persian]. URL: http://frooyesh.ir/article-1-1205-fa.html

Rhoades, G. K., Stanley, S. M., & Markman, H. J. (2009). Couples' reasons for cohabitation: Associations with individual well-being and relationship quality. *Journal of Family Issues*, 30(2), 233–258. https://doi.org/10.1177/0192513X08324388

Rothman, N. B. (2017). Steering sheep: How expressed emotional ambivalence elicits dominance in interdependent decision making contexts. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 116(1), 66-82. https://ideas.repec.org/a/eee/jobhdp/v116y2011i1p66-82.html

Şenormanci, Ö., Konkan, R., Güçlü, O., & Şenormanci, G. (2014). Two cases of excessive internet use with comorbid family relationship problems. *Nöro Psikiyatri Arşivi*, 51(3), 280. doi: 10.4274/npa.y6939

Sobhani, P,. & Farhadi, H. (2012). Comparison of internet addiction, internet aggression, loneliness and technology anxiety in people seeking divorce and normal people referring to clinics in Isfahan. *Quarterly Journal of New Ideas in Psychology,* 11 (15), 15-1.[In Persian]. https://elmnet.ir/doc/2656877-42141

Stvil, N., Bell Mcdonald, K., & Cross-Barnet, C. (2018). A Qualitative Study of Black Married Couples' Relationships with Their Extended Family Networks. *Families in Society: The Journal of Contemporary Human Services*, 99(4), 55-66.[In Persian]. DOI:10.1177/1044389418756847

Tariqi, E. (2018). Investigating the impact of social networks on the phenomenon of divorce. *Women's Police Journal*, 2. http://noo.rs/LwpnL

Valenzuela, S., Halpern. D., & James E.K. (2014). Social network sites, marriage wellbeing and divorce. *Survey and state-level evidence from the United States.* 36. Pp 94101. DOI:10.1016/j.chb.2014.03.034

Van dijk, R., Van der valk, I.E., Dekovic, M., & Branje, S. (2022). Trangulation and child adjustment after parental divorce. Underlying mechanisms and risk factor. *journal of family psycology*, 36(7), 1117-1131. DOI: 10.1037/fam0001008

van Dijk, R., van der Valk, I. E., Vossen, H. G., Branje, S., & Deković, M. (2021). Problematic internet use in adolescents from divorced families: the role of family factors and adolescents' self-esteem. *International journal of environmental research and public health*, 18(7), 3385. DOI: 10.3390/ijerph18073385

van Dijk, R., van der Valk, I. E., Dekovi´c, M., & Branje, S. (2020). A metaanalysis on interparental conflict, parenting, and child adjustment in divorced families: Examining mediation using meta-analytic structural equation models. *Clinical Psychology Review*, 79, Article 101861. DOI: 10.1016/j.cpr.2020.101861

Vanier, A., & saliva, C. (2017). Trangulation and child adjustment after parental divorce.Underlying mechanisms and risk factor. *journal of family psycology*, 36(7), 1117-1131. DOI: 10.1037/fam0001008

Yacoub, C., Spoede, J., Cutting, R., & Hawley, D. (2018). The impact of social media on romantic relationships. *Journal of Education and Social Development*, 2(2), 53–58. https://doi.org/10.5281/zenodo.1490763

Yarmohammadi Vasel, M., Yazdipanah, M. and Mohagheghi, H. (2023). The relationship between marital boredom and marital expectations and cognitive fusion in married women: The mediating role of emotional failure. *Journal of Modern Psychological Researches*, 18(69), 267-276. https://doi.org/10.22034/jmpr.2023.16241

Yaghoubi Hassankola, Gh., Homayuni, A., Yarahmadi, Y., & Moradi, O. (2017). The mediating role of psychological vulnerability in the relationship between dependence on social networks and emotional divorce in women. *Quarterly Journal of Applied Family Therapy.* 3(2), 275-295. [In Persian]. https://civilica.com/doc/1355786

Young, K. S. (1998). Internet addiction: The emergence of a new clinical disorder. *Cyberpsychology & behavior*, 1(3), 237-244. https://psycnet.apa.org/doi/10.1089/cpb.1998.1.237